



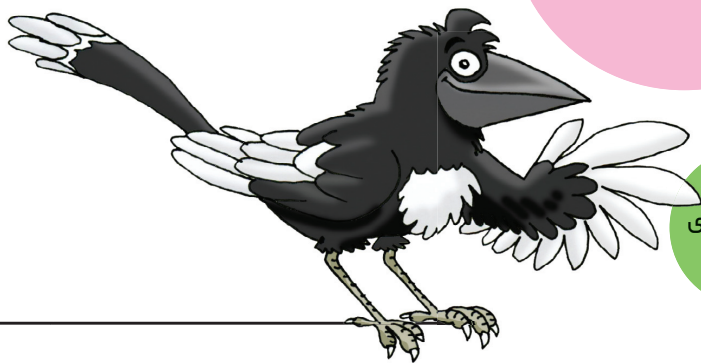
بیرنله‌های باقی



● همه چیز خوار!

بیشتر وقت‌ها با فریب دادن حیوانات، تخم‌ها یا جوجه‌های آن‌ها را می‌خورم. من برای غذا خوردن، روش‌های مخصوص خودم را دارم. مثلاً برای آن که حشرات و کرم‌ها را از سوراخ‌های تنه‌ی درختان بیرون بیاورم، تکه‌های کوچک چوب را با نوکم برمی‌دارم و داخل سوراخ فرو می‌کنم! این جوری، طعمه‌هایم را بیرون می‌آورم و می‌خورم... مثل استفاده از قاشق! من، «همه چیز خوار» هستم. یعنی هر غذایی که به دستم برسد می‌خورم و بالاخره یک جوری خودم را سیر می‌کنم! از لاشه و کرم و دانه و علف گرفته تا جوجه و تخم حیوانات. در جایی که آدم‌ها زندگی می‌کنند، من خرده نان هم می‌خورم.

اگر با آدم‌ها بزرگ شوم،
می‌توانم بعضی از کلمه‌ها
را بگویم!



سحر حیدری

من بدجنس نیستم!

● محل زندگی من هم مثل غذایم، متنوع است!... تقریباً هر جا که سر بچرخانی، می‌توانی مرا ببینی. در کشت‌زارها، جنگل‌ها، حاشیه‌ی شهرها و روستاها و حتی نزدیک زباله‌ها! شاید با این حرف‌ها، به نظرت پرنده‌ی بدجنس و زیان‌آوری آمده‌باشم؛ اما من به طبیعت کمک می‌کنم. من یکی از رفتگران طبیعت هستم و در کنترل جمعیت بسیاری از حیوانات نقش دارم. مثلاً جمعیت بسیاری از انگل‌ها و حشرات را که ممکن است در طبیعت به آفت تبدیل شوند، کنترل می‌کنم. من جزو خانواده‌ی گنجشک‌ها هستم. اسم علمی من، «پیکا پیکا» است. مردم مرا به نام کلاغ زاغی می‌شناسند. اما من با کلاغ تفاوت‌هایی دارم. معمولاً تمام پره‌های کلاغ، سیاه یا خاکستری است. پر و بال من سیاه است؛ اما زیر نور، به رنگ‌های آبی و سبز و ارغوانی دیده می‌شود. پره‌های سینه و شاه‌پره‌های من سفید است. با دم بلندم به راحتی شناخته می‌شوم؛ پاهای سیاه و منقار سیاه و بزرگی هم دارم. جمعیت ما زیاد است. بیشتر، گروهی زندگی می‌کنیم؛ اما زمستان‌ها در دسته‌های بزرگ به این طرف و آن طرف می‌رویم. به جز استان‌های سیستان و بلوچستان، هر مزگان، بوشهر و قسمت‌هایی از خوزستان، من در همه‌ی بخش‌های ایران وجود دارم.

کلاغ

